

سعی کن دختره را پیدا کنی

مؤلف | مترجم
ریموند چندلر | فتح‌اله جعفری جوزانی



شیرآناپا

اون مرد گندههه رطبی نه من نداشت هیچ وقت نه من رطپ نداشت، نه اون موقع نه بعداً، اون موقع کمتر ار همیشه

توی حیانون سسترال بودم، که هارلم لس آنجلسه، یکی ار حیانون‌های «مخلوط»، حایی که هسور معاره‌های سفیدپوست‌ها و رنگین‌پوست‌ها هردو وجود دارن دنال یه آرایشگر کوچولوی یونانی نه اسم تام آلیدیس^۱ می‌گشتم که زنش می‌حواست برگرده حوبه و حاضر بود واسه پیدا کردنش یه حورده پول حرح که کار بی‌دردسری بود تام آلیدیس حلاف کار بود اون گندههه را دیدم که حلوی شیمیر^۲ وایساده بود، یه حای مشروب و قمار تمام رنگین‌پوست توی طبقه دوم، حای حیلی آرومندی بود سرش بالا بود و داشت با حالت محدودی نه نوشتی استسیل روی تانلوی برقی نگاه می‌کرد، مثل نگاه یه مهاجر نه محسمه‌ی آزادی، مثل مردی که مدت ریادی منتظر شده بود و راه درازی او‌مده بود

اون فقط گندههه بود عول بود نه نظر می‌اومد قدش بالای دو متر بود، و لباس‌های تنش حیغی‌ترین لباس‌هایی بود که نه عمرم تن یه مرد

1- Tom Aleidis

2- Shamey's

واقعاً گنده دیده بودم

شلوار پلیسه دار قهوه‌ای مایل به قرمر، یه کت خاکستری طورِ زمحت با دکمه‌هایی که مثل توپ سفید بیلارد بودن، کمش‌های قهوه‌ای حیرنا انفجارهای سفید از پوستِ برعاله، یه پیره‌ن قهوه‌ای، یه کراوات ررد، یه گل میحک قرمر سررگ و یه دستمال خیلی سررگ به رنگ پرچم ایرلند خیلی دقیق ریرِ اون میحک قرمر با سه تا نوک تیر مرتب شده بود توی حیاون سسترال، که لباس‌هایی می‌پوشش که آروم‌ترین لباس‌های دنیا بیست، با اون هیکل و اون لباس‌ها، همون قدر توحه حلب نمی‌کرد که یه رطیل روی یه برش کیک سفید

طرف رفت اوسور و درهای شیمیز را هُل داد و بار کرد اون درها آنقدر تاب خوردن تا با یه انفجار دوباره اومدن به سمت بیرون و بار موبدن چیری که ارشون پرت شد بیرون و افتاد توی حوب و مثل یه موش رحمی، یه صدای بلند ناله از خودش درآورد، یه حوونِ رنگین پوست با موهای صاف و روع رده بود که یه کت شلوار کمر کرسست تنش بود رنگش قهوه‌ای بود، رنگ قهوه با یه کوچولو حامه توش منظورم رنگ صورتشه هسور هم به من مربوط نمی‌شد اون پسر رنگین پوست را تماشا کردم که از کنار دیوار کِشون کِشون رفت اتفاق دیگه‌ای بیفتاد این بود که اشتباهم را مرتکب شدم

توی پیاده رو رفتم حلو تا حایی که می‌توستم خودم اون درها را هل بدم و بارشون کم فقط به اندازه‌ای که به داخل نگاه بندارم فقط ریادی از حد یه دستی که می‌توستم توش بشیم شوبه‌ام را گرفت به طوری که دردم